

گیاه وحشی کوسم
.....

گیاه وحشی کوسم، نه لاری مگدان
مرا به بنم خوشی کسی خورد سرانه مهر
به سردی حسن سنگ خو گرفته دل ام
مرا به خانه مهر
ز لاکه من کوه است

ز تو سنگی یک روز سر زخم بیرون
به زیر سنگی یک روز می گم بد خون
برکت سنگی من
آسان اندوه است

جدا ز بارود بارم دل ام نمی خندد
زین طراوت و سادگی درنگ دوی مجواه
به غیر حسرت پر خشم و آرزوی مجواه

گیاه وحشی کوه ام در انتظار بهار
مرا نوارس و کرمی به گریه می آرد
مرا به گریه بار
.....

اصول
۶۴